

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

سرسخن: بسی رنج درین سال سی / به احیای گنجینه پاریس • باقابه، پاتابه، پاتاره / علم‌نرف ساقی • یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل غلصی • یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / صادالدين شيخ المکماي • رساله نخبة الوزراء تأليف نصرالله دمازندى / قاسم قرب • استدراكاتى بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا بابک / سلمان، اثر سزى • دمنیان، دومینان، دمنی / ج. ط. زند (سروش) • دیوان قزخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود عالی‌پور • کتابه چهل‌ستون شاه عباس، سرورده محمد بیگ فرصت / لافله بوجار • تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کلمی • واژه «لُخْم» / محسن ناکرالمصنی «بونده» • آیا کتاب گشایش و زهائش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا نوکی ساهری • نقلی بر تصحیح کتاب بدایع اللوح / میلاد یگدلو • نقلی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن تریفی ضمیر • نگامی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی • پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابراروسل • آثار مصطفی عالی اقلندی / نصرانه صالحی • آنگ فلدزیویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی غیسانولین، ترجمه: محمادین کیوانی • گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرمی داشت یاد و نام ی. ت. پ. دیروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) / علیرضا سیدغراب • نقلی بر نوشته علیرضا هاشمی زاهد درباره چاپ اخیر منظومه صراط‌المخط / علی صفوی آوندله



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز نشر دانشگاهی تهران
چاپ: مهرماه ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه



۹۶ - ۹۷

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از کعبه در دستنویسی از شهنامه
سلطان سلیم، به شماره ۳۵۹۵ در مجموعه احمد ثالث
در کتابخانه موزه طویق‌پای سرایی، بی‌تاریخ. نسخه به
رسم خزانه کتب مرادخان بن سلیم خان (حک ۹۸۲ -
۱۰۰۳ ق) و در همین دوره کتابت شده‌است.

فهرست

سرخن

بسی رنج بردم درین سال سی / به احیای گنجینه پارسی ۵-۶

بستار

بافتابه/ بافتابه/ بافتاوه / علی‌اشرف صادقی ۷-۸

یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل خطیبی ۹-۱۵

یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۱۶-۱۸

رسالة نخبة الوزراء تألیف نصرالله دماوندی / قاسم قریب ۱۹-۲۶

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا (بابک) سلمانی؛ آرش سزی ۲۷-۲۹

دمنیان/ دومیان/ دمنی/ دومی / ج. ط. نژاد (سروش) ۳۰-۳۱

دیوان فرخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود علی‌پور ۳۲-۴۱

کتابچه چهل ستون شاه عباس، سروده محمد بیگ فرصت / فاطمه بوجار ۴۲-۴۸

تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی ۴۹-۵۲

واژه «رُخْم» / محسن ذاکرالحسینی «پرنده» ۵۳-۵۷

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری ۵۸-۶۳

نقد و بررسی

نقدی بر تصحیح کتاب بدایع المُلح / میلاد بیگلر ۶۴-۷۸

نقدی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محبوب / محسن شریفی صبحی ۷۹-۸۳

نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی ۸۴-۹۲

پژوهش‌های دبایق

پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابن‌الرسول ۹۳-۱۰۵

ایران در متون و منابع عثمانی (۳۴)

آثار مصطفی عالی افندی / نصرالله صالحی ۱۰۶-۱۰۸

آشنایی با سخنرسان و متن پژوهان (۶-۷)

آلگ فدر ویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی خیسماولین؛ ترجمه: مجدالدین کیوانی ۱۰۹-۱۱۳

گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرامی‌داشت یاد و نام ی. ت. پ. دبروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) /

علی‌اصغر سید غراب ۱۱۴-۱۲۳

دبایق نوشته‌های به‌مشین

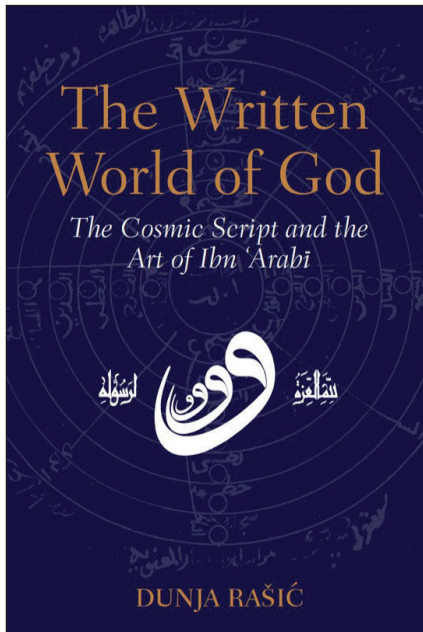
نقدی بر نوشته علیرضا هاشمی‌نژاد در باره چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط / علی صفری آق‌قلعه ۱۲۴-۱۳۰



دکتر شهرام آزادیان

(هجدهم آذر ۱۳۵۲ - بیست و دوم تیر ۱۴۰۲)

درگذشت ناگهانی دکتر شهرام آزادیان، استاد دلسوز گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران، موجب دریغ و افسوس بسیار شد و همکاران و شاگردان او را در اندوهی گران فرو برد. گزارش میراث خود را در غم ایشان شریک می‌داند و برای خانواده و دوستان او آرامش و بردباری آرزو می‌کند.
یادش گرمی و روانش قرین آرامش باد.



نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا

ریحانه بهبودی

پژوهشگر مستقل
reyhanehbehboudi@gmail.com

The Written World of God: The Cosmic Script and the Art of Ibn 'Arabi. Dunja Rašić. Oxford: Anqa Publishing, 2021.

حروف‌امتی است از امت‌ها که هم مورد مخاطبه قرار می‌گیرند و هم مورد تکلیف واقع می‌شوند، آنان را رسولانی است از جنس خودشان و نام‌هایی از حیث خودشان. (ابن عربی، ۱۳۹۳: ۱/۱۷۰)

مشتاقان رمزگشاییِ حروف این اقیانوس پر از اسرار را از روزگاران کهن بسیار کاویده‌اند. علم حروف هم مانند علم اعداد در سایه‌روشن علوم غریبه سده‌هاست زیر عنوان «سیمیا» مورد توجه قرار گرفته‌است. اسرار نهفته در حروف شماری از اهل علم را به خود خوانده و برخی دیگر را دورباش داده‌است. در سده‌های میانه، در همان احوال که دانشمندان در سراسر سرزمین‌های اسلامی مشغول کاوش و بسط خستگی‌ناپذیر سلسله دانش در ژرفا و پهنا بودند، محیی‌الدین ابن عربی نیز با روش یگانه خود - ترکیبی از کشف و شهود و علوم رسمی زمان، مانند عرفان، شعر، حدیث، تفسیر، فقه، و علوم خفیه مانند کیمیا، سیمیا، جفر و تنجیم - آثار متنوع و گرانسنگی نگاشته‌است که بسیاری از آن‌ها در شکل‌گیری مکاتب فکری و مطالعات پس از او تأثیر چشمگیری گذاشته‌اند.

در گستره پهناور این آثار، ابن عربی اعتنای ویژه‌ای به اسرار حروف و اعداد داشته‌است. گریزهای ابن عربی به علم حروف در دریای بی‌پایان آثار او گاه متمرکز و آراسته و گاه نامنسجم و درهم‌ریخته است. او گاه در خلال کتاب‌های مستقل به عالم حروف گریز زده (مانند توجهات الحروف، قرعة الطيور، المبادی و الغایات، الباء و اسراره) و گاه فصولی از آثار متعدّد خود را به این درون‌مایه پرکشش اختصاص داده‌است (مانند باب دوم فتوحات مکیه). این پاره از محتوای آثار او به‌شکل طبیعی بسیاری از صاحبان دعوی علوم حروف و اعداد را در قرن هشتم و در سراسر قرن نهم، به‌ویژه در جغرافیای فرهنگی ایران، مجذوب خود کرد. ظهور فرقه‌های حروفی‌گری در قرن هشتم، که جهان هستی را با ارجاع به حروف تفسیر می‌کردند و با عاریه گرفتن از نوشته‌های ابن عربی معتقد بودند «هر کس خواص حروف را بداند همه اشیاء مستخر او شود»، دنباله‌های این جذب‌ه بودند (موحد، ۱۳۸۵: ۴۶).

با وجود نگارش سطرها، جستارها و کتاب‌ها درباره حروف، ابن عربی خود بارها مخاطبان ناپخته و غیرمجهز به سلاح ایمان را از تجسس در علم حروف حذر داده‌است، چه ناآشنایان این راه ممکن است به‌جای مرغزار معرفت سر از بیابان جنون و هلاکت دریاورند. در عالم علوم غریبه و

برگزیده است.

زبان روان، نگاه روشمند، و روایت بدون سکتۀ از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر این نویسنده است، که در جای جای کتاب اقلیم مکتوب خدا مشهود است. از جمله وجوه تمایز سبک نوشتاری راشیچ می‌توان به ترسیم خطوط قابل فهم از مفاهیم غامض و نگاه علمی در پرداخت و تحلیل گستره‌های عرفانی چندلایه اشاره کرد. کنار هم قرار گرفتن این عناصر کتاب حاضر را اثری خوش‌خوان برای هر دو گروه مخاطب خاص (ابن عربی‌پژوهان، علاقه‌مندان به علم حروف و عرفان‌دوستان) و مخاطب عام کرده است. تسلط محقق بر زبان‌های عربی و انگلیسی، به‌ویژه احاطه او بر واژه‌های تخصصی ادبیات عرفانی و قرآنی، کیفیت متن را به‌صورت قابل توجهی ارتقاء بخشیده است. به‌علاوه مؤلف برای تسهیل تطابق معانی، در بسیاری از موارد برای برگردان واژه‌های خاص، اصل واژه عربی (با آوانگاری انگلیسی برای واژه‌های عربی) را در کنار معادل انگلیسی آورده است. بهره‌گیری نگارنده از مجموعه متنوعی از ارجاعات به آثار کلاسیک و مدرن و از جمله نسخه‌های خطی آثار ابن عربی، ستون فقرات مستدلی برای مباحث کتاب ساخته است. گستره مطالعات مؤلف، همچنین فرصت کاوش‌های میان‌رشته‌ای را در این اثر ممکن کرده، به‌طوری که مطالب هر جستار با ارجاعات دستور زبانی، آواشناختی، عرفانی و قرآنی تکمیل شده است.

درون‌مایه و محورهای کتاب

راشیچ در این اثر تأکید کرده که تنها پنجره کوچکی به جهان علم حروف گشوده و هدف او شناخت همه‌جانبه این مبحث نیست و شناختی جامع نیز در قالب کتابی ۲۰۰ صفحه‌ای نمی‌گنجد. چراغ او در این سفر تأملات شیخ اکبر در ماهیت و معنای نهفته در حروف زبان عربی و رابطه زنده حروف با جهان آفرینش و آفریدگار است. بنابراین، کتاب مرزهای مشخص و ادعای معینی دارد. نگارنده در عین پرداخت محققانه به سرفصل‌ها تصریح می‌کند که این اثر تنها آغازگر راهی است که پژوهشگران بسیاری را به خود فرا خواهد خواند. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض‌ها، کتاب با مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط آغاز

خفیه، بسیاری بوده‌اند که به این سایه روشن پرخطر و مرموز برای مقاصد درست و نادرستی گام نهاده‌اند. هدف از این نوشتار معرفتی اثری علمی است که با رویکرد تحلیلی پژوهشی این رشته پرجذبه و کمتر مطالعه‌شده را در آثار محیی‌الدین ابن عربی کاویده و با خط سیری روش‌مند تأملات او را در مبحث حروف ارزیابی کرده است. در این نوشتار ابتدا به معرفتی و سپس به ارائه خلاصه‌ای از مهم‌ترین فصل‌های کتاب اقلیم مکتوب خدا: الفبای کیهانی و هنر ابن عربی نوشته دنیا راشیچ می‌پردازیم، که توسط مؤسسه عنقا منتشر شده است.

انتشارات عنقا، که با رسالت شناخت و شناساندن آثار ابن عربی به دنیای غرب و انگلیسی‌زبانان فعالیت خود را از دهه ۱۹۹۰ میلادی در شهر آکسفورد انگلستان آغاز کرده است، در همکاری تنگاتنگی با مؤسسه جامعه محیی‌الدین ابن عربی^۱ فعالیت می‌کند، تا کنون ترجمه‌های ارزشمندی از مجموعه آثار ابن عربی به زبان انگلیسی منتشر کرده است.

دنیا راشیچ، محقق جوان صربستانی‌الاصل، دانش‌آموخته دکترای رشته مطالعات فرهنگی اسلامی از دانشگاه برلین و دانشیار دانشگاه بلگراد است. دامنه مطالعات او فلسفه اسلامی، فلسفه زبان، عرفان و دیرینه‌نگاری را در بر می‌گیرد. کتاب دیگر او که در سال گذشته میلادی منتشر شد، پژوهشی است پیرامون نظریات ابن سراج، نحوی کمتر شناخته‌شده مکتب بغداد.^۲ راشیچ اکنون مشغول مطالعه و شرح آثار مکتب اکبریان/ اکبریّه است و مبحث چالش برانگیز حروف مقطعه قرآنی در آثار اکبریان را برای پژوهش بعدی خود

۱. در حالی که مسلمانان قرن‌هاست که آثار ابن عربی را خوانده، شرح کرده و کاویده‌اند، او در غرب با اقبالی متأخر شناخته شده است. حاصل این اقبال در دهه‌های اخیر، و بالاخص از دهه ۱۹۷۰ میلادی، شکل گرفتن هسته‌های تخصصی دانشگاهی برای مطالعه، شناخت، تحلیل و شناساندن جهان، آثار، و مکاشفات پرکارترین عارف مسلمان است. جامعه محیی‌الدین ابن عربی (The Muhyiddin Ibn Arabi Society) که در سال ۱۹۷۷م در آکسفورد تأسیس شد یکی از پرکارترین مجامعی است که بر شناخت و شناساندن شیخ اکبر متمرکز است. هم‌اکنون بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان که به مطالعات اسلامی و تاریخی می‌پردازند با دامنه‌ای متنوع از فعالیت‌ها (مانند جلسات خوانش، سمینارها، ترجمه آثار ابن عربی و تولید پژوهش‌های موضوعی) با این جامعه در ارتباط هستند.

2. *The Banisher of Madness: An Interpretation of Language as the Vessel of All Truths Sacred and Profane in the Teachings of Ibn al-Sarraj of Baghdad.*

می‌شود و حول دو بخش محوری به پیش می‌رود. بخش اول کتاب با عنوان «الفبای کیهانی» به پیش‌زمینه علم حروف، جایگاه آن در علوم اسلامی و مطالعات کلاسیک اختصاص دارد. در این بخش راشیچ سرنخ‌ها را به دست خواننده می‌دهد و او را آهسته‌آهسته با مبادی و نهایات علم حروف آشنا می‌کند. او در ادامه به مسیرهای کاوش در علم حروف پرداخته و مختصات مسیر «کشف و شهود» را بیان می‌کند. بخش دوم کتاب با عنوان «کنش آفرینش» در حقیقت پرداختن به مضمون اصلی اثر است. «نفس‌الرحمان» آغاز پرمحتوا، خیال‌انگیز و جاندار است که نگارنده به‌عنوان جستار نخستین این بخش برگزیده است. الف قائم، آفریدگار و آفریده (لام الف)، عماء (ء)، عرش و افلاک بهشتی، شش اقلیم (ث، ظ، ذ، ف، ب، م)، و تسخیر شهر بزرگ (و) از جمله سایر جستارهای بخش دومند، که نویسنده از خلال آن‌ها ما را با مهم‌ترین وجوه جهان باطنی حروف و کرسی هر یک در عالم وجود در نگاه ابن‌عربی آشنا می‌کند.

مقدمه

«سخن» وادی اول کتاب است: منشأ سخن، موجودات سخنگو در عالم آفرینش، و نقش متمایز انسان در صحنه پرحادثه سخن. اگرچه فرشتگان، جنیان، و انسان، هر سه قادر به سخن گفتن هستند، اما این تنها انسان است که می‌تواند پرده از حجاب اسرار حروف برگیرد. ابن‌عربی توجه یگانه‌ای به علم حروف داشته و راه‌یابی به بینش او در باب حروف می‌تواند دریچه شناخت بسیاری از اندیشه‌های او باشد. از نظر محیی‌الدین، آشنایی با علم حروف غَوَاصی در اسرار هستی است و این کتاب هم بر همین پیوند زنده میان جهان و حروف استوار است. نگارنده در همان ابتدای کتاب پیش‌فرض‌های مهم علم حروف در نگاه شیخ اکبر را توضیح داده است: از نظر ابن‌عربی جهان آفرینش محصول سخن پروردگار است. جهان به‌مثابه طوماری از نوشته‌ها و کلمات است و سلسله‌مراتب هستی با مراتب حروف گره خورده است، و حتی فراتر از آن: معنای حروف محاط به عالم وجود است. در این جا راشیچ به نقش

نحویان، به‌ویژه دستوریان مکتب بغداد، در تکامل دیدگاه‌های شکل‌گرفته درباره حروف اشاره می‌کند و به اهمیت پیوندهای زبانی، هم‌پوشانی‌های قواعد و قیاس‌های زبانی با جهان هستی و جهان فقه می‌پردازد. همچنین نویسنده در مقدمه منابع دست‌اولی را که برای تدوین کتاب از آن‌ها بهره گرفته است (آثار ابن‌عربی) به خواننده معرفی می‌کند: فتوحات مکّیّه، فصوص الحکم، کتاب الالف، کتاب الباء، کتاب المیم، الواو والنون، و کتاب الجلاله. نگارنده در مقدمه تلاش می‌کند تا با ارائه اطلاعات کلیدی مخاطب را با طبقه‌بندی‌های متنوع حروف در الفبای عربی آشنا کند، مانند:

- قالب حروف: حروف نوشتاری، حروف گفتاری و حروف احضار شده؛^۳
- عناصر مؤثر در معنای حروف: شکل حرف، جایگاه حرف در الفبا و روح هدایت‌گر حرف؛
- پیکره رسم‌الخط عربی: معنای رسم، عجم و تشکیل؛^۴
- رابطه ارگانیک حروف در زبان عربی و جایگاه حروف در اول و وسط و آخر کلمات؛
- جایگاه برتر حروف مستقل نسبت به کلمه؛^۵
- اشکال معمول و رمزنگاری شده حروف.

مقدمه همچنین مناسب‌ترین بخش برای برشمردن

3. Summoned letters.

۴. در نگارش عربی «رسم» استخوان‌بندی خط است، و «عجم» افزوده شدن نقطه‌های حروف؛ در این معنا به نقطه‌گذاری «اعجام» گفته می‌شود. «تشکیل» با اضافه شدن نمادهای حرکت (فتحه، کسره، ضمه) روی حروف پدید می‌آید. معمولاً در نگارش قرآن از تشکیل استفاده می‌شود تا خوانش درست و دقیق میسر باشد.

۵. برای درک بهتر می‌توان عربی را با زبان انگلیسی و یا زبان‌های مشابه مقایسه کرد: در نگارش انگلیسی تنها حرف اول شکل دیگری می‌پذیرد، در حالی که در عربی و فارسی امروزین جایگاه حرف در اول، وسط و آخر هر کدام اشکال خاصی به حروف می‌دهد. منظور نویسنده در این جا پیوند زنده حروف با یکدیگر در اتصال و هم‌جواری است.

۶. رابطه میان حروف و کلمات از دیدگاه علم حروف قابل مقایسه با رابطه عناصر جدول مندلیف و مواد ترکیب‌شده از این عناصر است. ماهیت، معنا و خاصیت حروف در ترکیبات کلمات می‌تواند به‌کلی متفاوت از ماهیت و معنای حروف در موقعیت مفرد و مستقل باشد. ابن‌عربی معمولاً برای اشاره به کلماتی که دربرگیرنده معنای حروف ویژه‌ای هستند کلماتی را انتخاب کرده است که حروف مذکور در اول آن‌ها واقع شده‌اند. برای مثال «صدق» برای «ص» و «نعمت» برای «ن» (رک. فتوحات مکّیّه، جلد اول، بخش ششم از فتح مکّی، باب دوم: سخن درباره تک‌تک حروف).

نگاه او لازمه دستیابی به معنای حروف تقوا، ایمان و خلوص قلب است، از این رو پا گذاشتن در این وادی برای دانشمندان علوم طبیعی و برای صاحبان چشم‌های ناپاک محال است. شیخ اکبر با بیانی تناقض‌آمیز، که یکی از مشخصه‌های آموزه‌های اوست، در همان حال که مخاطب خود را دعوت به شناخت این اسرار می‌کند، او را از عواقب این مسیر پرسنگلاخ حذر می‌دهد.

جستار بعدی این بخش به تحقیق دربارهٔ ابزار ابن عربی در مسیر شناخت (اسرار حروف به‌شکل ویژه و سایر معلومات هستی به‌صورت عام)، یعنی «کشف»، اختصاص دارد و تمایزهای آن با مسیر شناخت از رهگذر «عقل» را بررسی کرده‌است. این جستار با نمودارها و اشکالی همراه شده که عصارهٔ تصوّر بصری/ فضایی محیی‌الدین از جهانی است که برای مخاطبان انعکاس می‌دهد. مهم‌ترین ره‌آورد این باب گردآوری توصیفات نسبتاً جامعی از ابن عربی دربارهٔ مختصات کشف و تفاوت آن با علوم عقلی است. این توصیفات ماهیت، وجوه تمایز، اشکال، ملزومات و محتوای کشف را در بر می‌گیرد. برای مثال، بر اساس نظر شیخ اکبر، کشف می‌تواند مظاهر گونه‌گونی به خود بگیرد: برای یک نحوی کشف در معادلهٔ ساختاری یک جمله حاصل می‌شود، برای یک منطق‌دان در ماهیت معانی و برای یک فقیه در گشایشی پیرامون یک اصل فقهی. در همهٔ این اشکال، کشف آبشخور ایمان و ایمان بشارت‌دهندهٔ شادی و طمأنینهٔ قلب است. با وجود این، جست‌وجوگر کشف باید به‌خوبی آگاه باشد که خود اراده‌ای بر مسیر و زمان رسیدن به مقصود نخواهد داشت. نگارنده این‌جا به جدّی‌ترین چالش از منظر محیی‌الدین بر سر راه کشف اشاره می‌کند، که همان خلیقات هر انسانی است که در طول زمان زندگی به تدریج در وجود او تثبیت شده‌است. خلیقات مجموعه‌ای است از مختصات جسمانی، شخصیت اخلاقی و سبک زندگی که غلبه بر آن‌ها نخستین گام به عالم پررمز و راز کشف است. در عالم اسرار حروف، اولین مکاشفهٔ رؤیایگونهٔ ابن عربی در مسیر سفرهای او در شمال آفریقا و در ماه مبارک رمضان در شهر بجایه^۷ رخ داد. شیخ خواب

۷. شهری است ساحلی که اکنون در کشور الجزایر واقع است.

چالش‌های تحقیق در آثار ابن عربی هم بوده، که مهم‌ترین آن‌ها تناقض‌های ظاهری بخشی از اندیشه‌های محیی‌الدین در متون به‌جای‌مانده از اوست، و دیگری یکسان نبودن توجّه شیخ اکبر به ۲۸ حرف الفبا (۲۹ حرف با در نظر گرفتن همزه). در حالی که سطور بسیاری از او پیرامون «الف»، «ب»، «ی» و «م» بر جا مانده، و حتی برخی از آن‌ها یک کتاب کامل را به خود اختصاص داده‌اند، بسیاری از حروف از شرح مفصّل محروم مانده‌اند؛ اگرچه باید در نظر داشت که شیخ اکبر خود اذعان دارد که تمام اسرار حروف بر او فاش نشده و او تنها روایت‌گر گستره‌ای است که اجازهٔ مکاشفهٔ آن را یافته‌است.

بخش اول: الفبای کیهانی

حروف آجرهای جهان هستی‌اند و درک معانی آن‌ها راهی است به‌سوی شناخت هستی. نویسنده برای پرداخت و شرح این ادعا ابتدا مخاطب را با پیشینهٔ علم حروف قبل از ابن عربی و نیز وضعیت آن در دوران پس از او آشنا می‌کند. این پیش‌زمینه چشم‌انداز روشن‌تری از جایگاه و منشأ این علم به دست می‌دهد. این بخش با کندوکاو پیرامون سرچشمه‌های زبان عربی در نگاه عارفان، نحویان کلاسیک و زبان‌شناسان مدرن، و بسط نظریه‌های مطرح‌شده دربارهٔ ریشه‌های این جهانی و آن جهانی این زبان منحصربه‌فرد آغاز می‌شود. گریز بعدی به بنیادی است که شیعیان آن را پی ریختند و اشاره‌هایی به علم جفر، محتوای آن و انتساب آن به حضرت علی^ع است و این‌که چگونه کتاب‌های الجفر و صُحُف الفاطمة به‌عنوان عصارهٔ اسرار هستی (گذشته، حال و آینده) در سلسلهٔ امامت به‌عنوان میراثی لدنی دست‌به‌دست شده‌اند. سپس مسیر تطوّر نگاه جهان اسلام به علم حروف تشریح می‌شود؛ این نگاه از معرفتی مقدّس شروع می‌شود و تا نشستن در پای صندوق سحر و جادو ادامه می‌یابد. مؤلف در این‌جا جایگاه دیدگاه‌های ابن عربی به معرفت حروف را در این طیف فراخ تبیین می‌کند. محیی‌الدین به‌صراحت تعلق علم حروف به سحر را باطل می‌داند و تصریح می‌کند که اسرار حروف به هیچ وجه بر نااهل روشن نمی‌شود. در

بخش دوم: کنش آفرینش

جستار «نفس الرحمان» مسحورکننده‌ترین بخش کتاب است که به زمان بی‌زمان آفرینش پرداخته و خواننده را با مفاهیم پررمز و راز عرفانی و قرآنی آشنا می‌کند. در نقطه^۹ آفرینش تمام هستی، از جمله اعداد و حروف، همه بر دامن دانش پروردگار نشسته‌اند. آن‌ها چیزی نیستند جز استخوان‌هایی که چشم‌به‌راه حیاتند. در آثار شیخ اکبر، آفرینش از فراوانی مطلق هستی الهی (کرب) نشئت گرفته: «پُری» سرریزشونده‌ای که کیهان را پدید آورده است. ابن عربی این پُربودگی را به ریه‌هایی مملو از هوا تشبیه می‌کند که در نفسی سرریزشونده از حیات بازدمی برون می‌دهد، بازدمی که حیات است و همان نفس الرحمان. جهان آفرینش هیچ نیست جز مظاهری از این نفس پر قدرت حیاتمند و زندگی‌بخش. این بازدم سخن خداوند است که در سرتاسر هستی با کلمه «کُن» از عدم جاری شده است. در این کنش عظیم، کلمات حامل‌های جهان آفرینشند که هر کدام معنایی در خود نهان دارند، وقتی به یکدیگر می‌پیوندند واژه‌ها را می‌سازند و از مجاورت واژه‌ها با یکدیگر جمله‌ها برپا می‌شوند. در این معنا کنش آفرینش همان برساخته شدن واژه‌ها از حروف و جمله‌ها از واژه‌هاست. با این فرض هر عنصری در عالم امکان، کلمه‌ای الهی است. در همین حال تکانه‌های ظریف نفس الرحمان حروف مصوّت کوتاه را پدیدار ساختند که همان عوالم جبروت (ضمّه)، ملکوت (کسره) و مُلک (فتحه) هستند. عنوان «حرکت» که برای نام‌گذاری واکه‌های کوتاه در عربی به کار می‌رود خود بیانگر تکانه‌ای است که این مصوّت‌ها در خود دارند و به تبع آن، کلمات تنها با افزودن «حرکت» (مصوّت) قابل بیان هستند، از این رو حرکت حیات‌دهنده به کالبد بی‌جان حروف است. شیخ برای مصوّت‌های بلند چنین تفاسیری مطرح کرده است:

۹. به نظر می‌رسد دشوارترین مسئله این نوشتار چه در زبان عربی، و چه فارسی و انگلیسی، بهره‌گیری از واژه‌هایی است که بتواند تصوّر درستی در خواننده ایجاد کند. به‌طور حتم واژه «نقطه» در عبارت «نقطه آفرینش» اشاره به مکان یا زمان خاصی دارد، در حالی که در این جا صحبت از موقعیتی است که در بی‌مکانی و بی‌زمانی روی داده است. نویسنده امیدوار است این تنگناهای زبانی مرزهای خیال خواننده را محدود نکند.

دید که با همه ستارگان آسمان شب و با همه حروف الفبا نکاح کرده است. محیی‌الدین مدعی است که پس از این رؤیا اسرار حروف و افلاک بر او به تدریج نمایان شده و پس از آن، در مسیر خود به سوی مکه هم با چند تن از عالمان به علم حروف دیدار کرده است. تأثیر مکاشفات ناگهانی بر سبک نگارش شیخ غیرقابل انکار است: پُرش‌های متوالی از رشته‌ای به رشته‌ای دیگر، متن به ظاهر پریشان، بسته شدن ناگهانی جستاری که تازه باز شده است، چنددستگی محتوا و شتاب‌زدگی در نگارش. تمامی این آشفتگی‌ها بر آثار به‌جای مانده از او در علم حروف به خوبی هویدا است. راشیچ در این جا به یکی از برجسته‌ترین مکاشفات شیخ در ساحت شهود اشاره می‌کند که همان رمزنگاری‌های حروف الفبای عربی است. در نوشته‌های انگشت‌شماری، ابن عربی به ثبت این رمزنگاری‌ها پرداخته است.^۸

این بخش با گذری کوتاه به املائی حروف و اهمّیت آن‌ها در منظر شیخ اکبر پایان می‌یابد. از نگاه ابن عربی، شیوه نگارش و پیکره حروف انشاکننده روح حروف است و نه بالعکس. املائی حروف پیوند تنگاتنگ آن‌ها را با یکدیگر به نمایش می‌گذارد، نمایشی که در آن، حروف از یکدیگر زاده شده و پیکره‌شان (دست و سر و پایشان) از حرف دیگری تکامل یافته است. از مصادیق این نسبت‌ها و شباهت‌ها تکامل حروف «ر» و «ز» است که هر یک نصفی از حرف «ن» هستند و یا «و» که شکل ناتمام «ق» است. «ل» یک شکم از «ا» جلو زده، یا به بیان دیگری «ن» ای است که «ا» به آن افزوده شده است. حروفی که رسم آن‌ها مشابه است، مانند «ب»، «ث» و «ت»، زیر فرمان روح یگانه‌ای زیست می‌کنند. در مؤخره این بخش، نگارنده در وقت مناسبی خواننده را به لبه کهکشان معنا می‌برد و او را به سوی محتوای اصلی بخش دوم، که رابطه حروف و اسرار هستی است، رهنمون می‌شود.

۸. از جمله این آثار می‌توان به کتاب عنقای مغرب اشاره کرد که هم به انگلیسی و هم به فارسی ترجمه شده است. عنقای مغرب را انتشارات مولی با ترجمه امیرحسین اللهیاری در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است. جدول حروف رمزنگاری شده و تصویر دستخط محیی‌الدین در این کتاب موجود است.

است؛ یعنی علم به این که پروردگار بوده پیش از آن که جهان هستی پا به پهنهٔ پیدایش بگذارد و او قائم به ذات خویشتن است. در این منظر الف خودی است که حقیقت نهایی است، خودی که هیچ بستگی به هیچ چیز دیگری در عالم ندارد. الف در دایرةالمعارف محیی الدین همان نمایندهٔ ذات الهی است که توصیف‌ناپذیر، دست‌نیافتنی و منزّه است، کما این که گفته‌است: «برای آن‌ها که طعم حقیقت را چشیده‌اند، الف حرفی از حروف الفبا نیست... بلکه الف کرسی جامعیت است». در جهان بینی شیخ اکبر، ذات الهی امری به‌کلی جدا از عالم هستی است و مهم‌تر از آن این که ذات سبب آفرینش نبوده‌است، چه هر مسببی به‌واسطه‌ای به سبب خود وابسته است و خداوند در آیهٔ ۹۷ سورهٔ آل عمران خود تأکید کرده‌است که از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است.

الف شاکلهٔ تمامی حروف است، در حالی که خود از عنصری زاییده نشده. الف در ذات وجود خود حل می‌شود: «الف یک خط است که تمام حروف الفبا از آن شکل گرفته‌اند و هنگامی که تجزیه شوند به الف تجزیه می‌شوند. از همین رو الف ریشه و روح هستی بخش تمام حروف است». تمام حروف (حروف خمیده، افقی و منحنی) حتی در پیکرهٔ خود، نسبت معناداری با الف دارند که همان ذات دست‌نیافتنی و بلا تشبیه پروردگار است. در کنار همهٔ این توصیفات، ابن عربی تأکید می‌کند که الف حامل اسراری است که برای جست‌وجوی آن‌ها نباید بدون راهنما روانه شد، و با هشدارهایی جدی از مخاطرات این سفر مطالب خود را تکمیل می‌کند: «هر آن کس که روحش آمادگی دریافت اسرار الف را نداشته‌باشد، به اسفل السافلین هبوط خواهد کرد، به همان خاک بی‌قدری که نخست از آن برآمده‌است». راشیچ، نویسندهٔ کتاب، برای آغاز بحث پدیده و غامض همزه، عبارتی از ابن عربی را برگزیده‌است که از زبان خداوند بیان شده و برداشتی است از حدیث عماء^{۱۱}:

۱۱. بر اساس این حدیث که منسوب به پیامبر است، در مجلسی فردی از پیامبر^ص دربارهٔ هستی و جایگاه خداوند پیش از آفرینش جهان سؤال کرد و پیامبر^ص پاسخ دادند: «کان فی عماء، ما تحته هوا، و ما فوقه هوا، و خلق عرشه علی الماء».

«آ» نمایندهٔ حضرت حق، «ای» نمایندهٔ فرشتگان پیام‌آور و «او» نماد پیام‌آوران انسانی، یعنی پیامبران. همان‌گونه که نفس لازمهٔ حیات است، رانندهٔ سخن هم «حرکت» است. حروف بی‌صدا همچون پیکره‌های بی‌جانی هستند که با حروف باصدا پا بر اریکهٔ حیات می‌گذارند. در این جا مؤلف بر یکی از کلیدی‌ترین آموزه‌های محیی الدین در خصوص حروف متمرکز می‌شود که همانا نمایندگی حروف در جهان هستی است. هر حرف مظهر یکی از ابعاد هستی است و این نمایندگی به رابطه‌ای نمادین ختم نمی‌شود، بلکه هر حرف در ارتباطی جاندار با عالمی است که آن را نمایندگی می‌کند. این ارتباط در آثار شیخ اکبر این‌گونه تبیین شده‌است:

الف: ذات الهی؛ لا: رابطه بین آفریدگار و آفریده؛ ا: سبحانه؛
 ء: قلم اعلیٰ / عقل اوّل؛ ه: روح جهانی / لوح محفوظ؛ ع:
 طبیعت؛ خ: صورت؛ ق: عرش؛ ک: کرسی؛ ج: فلک اطلس؛
 ش: فلک ستارگان ثابت؛ ی: زحل، بهشت اوّل؛ ض:
 مشتری، بهشت دوم؛ ل: مریخ، بهشت سوم؛ ن: خورشید،
 بهشت چهارم؛ ر: زهره، بهشت پنجم؛ ط: عطارد، بهشت
 ششم؛ د: ماه، بهشت هفتم؛ ت: آتش؛ ز: هوا؛ س: آب؛ ص:
 زمین؛ ظ: کانی‌ها؛ ث: گیاهان؛ ذ: حیوانات؛ ف: فرشتگان؛
 ب: جن؛ م: انسان؛ و: مسیر رشد معنوی.

نویسنده این جستار را با عبارتی که جستار بعدی را در دل خود دارد پایان می‌دهد: از نظر ابن عربی ترتیب حروف در جهان هستی از همزه آغاز و به «و» ختم می‌شود. اگرچه داستان ما با «الف»^{۱۰} آغاز شده‌است و با «الف» پایان می‌یابد، حرفی که خویشاوندی با حروف الفبا ندارد. در باب‌های بعدی نویسنده به اهمّیت الف قائم (ا) و همزه (ء و ا) از منظر ابن عربی پرداخته‌است. ابتدای این بخش به جملهٔ معروفی منسوب به حلاج آراسته است: «الفبا اقلیمی است که پادشاه آن الف است». در نگاه محیی الدین اگر بخواهیم به الف صفتی اطلاق کنیم آن صفت «قیوم»

۱۰. «الف» نام اوّلین حرف الفبا یعنی «ا» است. همان‌طور که می‌دانیم هر حرفی در الفبای عربی و فارسی امروزی دارای نامی است. هر نام خود از چندین حرف تشکیل می‌شود. حرف اوّل نام هر حرف را مسمای حرف می‌خوانند. مسمای هر حرف زُبر و بقیهٔ آن بیّنات نام دارد و اصل معنای حرف در بیّنات نهفته‌است (موحد، ۱۳۸۵: ۴۶).

«من هستم و در این سحاب هیچ چیز همنشین من نیست».
در نگاه ابن عربی همزه حامل معنی پیوند هستی با خالق
هستی است، جایگاهی یگانه از تراوش هستی و تجلی آن.
همزه عالم ملاقات پروردگار با خود و نگاه او به ذات
خویش است (خیال مطلق)، چون خیال لازمه آفرینش است.
«آفرینش» در آموزه‌های محیی‌الدین همان تجلی خداوند بر
ذات پاکیزه خویش است. این مرحله - اگر بتوان نام مرحله
بر آن نهاد - خود دربرگیرنده دو ساحت عظیم و کزوبی
است: تجلی ذات (مواجهه پروردگار با خود)، و تجلی صفات.
ساحت اول نگاهی است به درون که در افقی بی‌زمان و
بی‌مکان روی داده است. در این ساحت معرفتی، جهان
جملگی در درون ذات پاک الهی در انتظار برای تجلی آرام
گرفته است. با فرمان پرصلابت «کن: باش!» نام‌های الهی
به ساحت تجلی گام نهادند. ابن عربی این جهان را چنین
توصیف کرده است: «تمام هستی فروزش فرمان کن است و
کن سخن پروردگار است و سخن پروردگار دانش اوست
و دانش او ذات او. بنابراین جهان بر وجه آفریدگار پدیدار
شده است». همین دو ساحت (تجلی ذات و صفات)، حاکی
از دو اسم خداوند، باطن (تجلی در ذات) و ظاهر (تجلی در
جهان هستی)، هستند. در این جا نویسنده دوباره به درون مایه
اصلی کتاب بازمی‌گردد و خاطر نشان می‌کند که ۲۸ حرف
الفبا، همه از سحابی زاده شدند که خود اولین مظهر تجلی
خداوند بود. در تفسیر محیی‌الدین از جهان خلقت، همزه
روی الف (أ) همان «سحاب ازلی» است که به سان هیچ
سحاب دیگری نیست، همان ابری که جلوه‌گاه همه صفات
آفریدگار است. در این معنا، الف به دم خداوند و همزه به
بازدم او تشبیه شده است. به بیان دیگر، اگر الف نماینده
احدیّت خالق است، همزه نماینده جامعیت اوست. از
همین رو، همزه پیوند منحصره فردی با نام الرحمن دارد،
نامی که مقدم بر نام‌های دیگر متجلی شد. از نگاهی دیگر،
همزه (سحاب ازلی) اولین حجاب است میان ذات پروردگار
و جهان مادی خلق. این ابر رحمانی منطقه مرزی میان
صورت و بی‌صورتی است. سحاب خود حامل عالم قدسی
عظیمی است: سی مقام فرشتگان مقرب، قلم اعلی (عقل
اول)، لوح محفوظ، نفس کل و جسم کل همه در این ابر

کزوبی جای گرفته‌اند. همزه مستقل (ء) در این جا نماینده
قلم اعلی یا همان عقل اول است. قلم اولین صورتی است
که به طور مستقل آفریده شده و به فرمان خداوند تمام دانش
پروردگار را تا روز رستاخیز نگاشته است. از آن جا که
اولین همنشین هر قلمی سطحی برای نگارش است، لوح
محفوظ این کار را عهده‌دار شده است. در این منظومه، لوح
محفوظ دومین صورت هستی است که نماینده حرف «ه»
و اسم «الآخر» خداوند است.

در این جستار، نویسنده جهان آفرینش را از دریچه نگاه
شیخ اکبر گام به گام می‌شکافد و پله پله از معنای سلسله مراتب
هستی پرده برمی‌کشد و هر مرتبه را با حرفی از حروف الفبا و
اسمی از اسماء تطبیق می‌دهد: از ابر ازلی هیولا، یا همان
گرد^{۱۲} (ح)، ماده خام و خمیره شکل‌پذیر عالم خلقت پدید آمد
و از هیولا چهار صورت هوا، نور، آب و کانی‌ها زاییده شدند.
گرد در همه ابعاد عالم پراکنده است؛ هم قدیم است و هم
حادث، هم درون است و هم بیرون. گرد ماهیتی است که
محصور در وجوه ماده نیست. در این مرحله جسم کل پا به
عرصه حیات گذاشت. در جهان‌بینی ابن عربی طبیعت کل
سایه لوح محفوظ است و خود لوح محفوظ سایه قلم؛ به
تعبیری در واقع طبیعت کل سایه‌ای است نشسته در سایه
سایه‌ای. حرف «ع» نماینده طبیعت کل است که با چهار
مشخصه کلیدی شناخته می‌شود: گرمی، سردی، تری و
خشکی. این چهار عنصر همان چهار مادر عالم طبیعت
هستند. این مشخصه‌ها خود ماهیتی غیرمادی و غیرمحسوس
دارند، اما حضور آن‌ها در عالم طبیعت بر کیفیت موجودات
مادی مؤثر است. اثر این چهار عنصر جهانی را شکل داده که
ابن عربی از آن به جسم کل تعبیر می‌کند و حرف «غ» نماینده
آن است. در این مبحث، نگارنده جهان فکری محیی‌الدین را
به موازات نگاه او به معنای حروف و اسماء الهی پیش می‌برد.
در چشم‌انداز ابن عربی جسم کل در تحوّل و تطوّر
بی‌توقف است، درست مانند سنگ آسیابی که بدون هیچ
مکشی بر مدار خود می‌چرخد و هیچ گاه محورش را ترک
نمی‌کند. این چرخش خستگی‌ناپذیر خالی کیهان را مدام پُر

۱۲. در متن عربی، محیی‌الدین واژه «الهباء» را به کار برده است.

آفرینش در همین جا پاسخ «بلی» را هم صدا خوانده‌اند. همان‌گونه که عرش آشوب سترگ ذرات هستی است، کرسی آرام‌کننده و تسکین‌دهنده حیات است؛ همان‌طور که عرش جمع است، کرسی جدایی است. کرسی از همان هنگامه پرابهت صدور فرمان «کن»، در کار ثبات عالم هستی است. در میان حروف الفبا «ک» و از بین صفات الهی الشکور نماد کرسی است. تمام افلاک از دل کرسی زاییده شده‌اند.

راشیچ در این جا به بحث درباره چند شکل بحث برانگیز به‌جای‌مانده از ابن عربی پیرامون عرش، کرسی و افلاک، و پیوستگی ارگانیک آن‌ها، و سپس به توضیح و تفصیل افلاک کیهان می‌پردازد که حرف پرمعنا «ن» آن را نمایندگی می‌کند. «ن» در نگاه نخست دایره ناکاملی است، اما در حقیقت دایره کامل و بی‌نقصی است که تنها بخشی از آن را با چشم می‌توان دید. نیم‌دایره به‌خط‌آمده «ن» نماد افلاک دیدنی/ مرئی و نیمه نانوخته دیگر نماد افلاک نادیدنی است. بنابراین عالم غیب و شهادت در دل نون نشسته‌اند. این جستار با بحث درباره آسمان‌های نادیدنی آغاز می‌شود: نخستین آسمان فلک اطلس (فلک بی‌ستاره) است. فلک اطلس که محیط بر تمام آسمان‌های زیرین خود است، فضایی بدون جلوه ظاهری، و یا فضایی پر از خالی است. فلک اطلس کرانه نهایی جهان ماده است. این آسمان به اندازه و قیاس در نمی‌آید و به رودخانه بی‌کرانی می‌ماند که هیچ پیمانهای توان سنجش مقدار و پهنای آن را ندارد. این فلک به دوازده برج و منطقه مراقبت تقسیم شده و از همین رو نام فلک البروج بر آن نهاده‌اند. از نگاه محیی‌الدین، بهشت منزلی است میان فلک اطلس و فلک ستارگان ثابت. در همین معنا، فلک ستارگان ثابت زمین بهشت و آسمان جهنم است. فلک ستارگان ثابت عالم ترکیب است و از ۲۸ منزل تشکیل شده‌است، که هر منزل مطابقتی کیهانی با حرفی از حروف الفبای عربی دارد. در جهان شیخ اکبر، تعداد حروف تعیین‌کننده این منازل کیهانی بوده‌اند، نه بالعکس. تمامی این منازل در جهان نادیدنی استقرار یافته‌اند و همین منازل انشاکننده ۲۸ منزل ماه هستند. نویسنده پس از این، به تبیین هر کدام از افلاک جهان

می‌کند. همه صورت‌های جهان آفرینش از این چرخش نمودار گشته و از این رو همه جهان مادی و ام‌دار معنای نهفته در «غ» است و «ع» جلوه اسم الظاهر آفریدگار. در این هم‌جواری، «ع» نماد علم مطلق و «غ» نماد علوم طبیعت و جهان ماده است. بنابراین، کنار رفتن نقطه «غ» و مواجهه با «ع»، همان برکشیده شدن ستر ثقیل عالم ماده و رویارویی با شهر پرده‌نشین علم است.

در این جستار، راشیچ به مهم‌ترین بخش کتاب، یعنی ریشه‌های جهان آفرینش و پیوند آن‌ها با اسامی چهارگانه توصیف‌کننده ذات پروردگار از منظر ابن عربی می‌پردازد و تلاش می‌کند رابطه‌ای مصور از این پیوندها را برای مخاطب به تصویر بکشد. بر اساس آموزه‌های محیی‌الدین، عقل اول عهده‌دار نقش زدن به عالم خلقت است و هر نقش او هستی یگانه‌ای است دیگرگون از هستی‌های دیگر. حرف «ک» در این سلسله‌مراتب نماینده صورت است و اولین چیزی که در عالم آفرینش صورت پذیرفته «ق»، یا همان «کرسی» آسمانی است.

با رسیدن به این میانه، کتاب با آهنگی روان به جستار بعدی رهسپار می‌شود که به شرح و بسط عرش، کرسی و افلاک و پیوستگی آن‌ها با جهان الفبا و اسمای الهی می‌پردازد. در جستار «عرش و افلاک آسمانی»، نویسنده ما را به اقیانوس تفاسیر محیی‌الدین از عرش، کرسی، و شکافته شدن پرده آفرینش هدایت می‌کند. در اندیشه ابن عربی، قاف اصلی‌ترین نماد عرش است که در بین صفات الهی نماینده محیط است. اسرار حیات و سرمنشأ زندگی مادی بر شانه‌های قاف حمل می‌شود. از نظر او عرش اولین و بزرگ‌ترین پدیده مادی آفرینش است. چگالی عظیم عرش انشاکننده برتری و قدرت بی‌چون‌وچرای آن بر گستره جهان مادی است و همین مشخصه باعث شده آن را محیط بنامند. در جهان‌بینی شیخ اکبر، عرش بر چهار پایه حمل می‌شود که هر پایه نماد یکی از اسماء ذات الهی است: الحی، العالم، المرید و القدر، هر پایه بر دوش یک فرشته مقرب حمل می‌شود: اسرافیل، جبرائیل، میکائیل و رضوان. از نگاه محیی‌الدین، واقعه اسرارآمیز الست در برابر عرش به وقوع پیوسته‌است و همه ذرات

دیدنی پرداخته و حرف، پیامبر، فرشته و عنصر آن را برای مخاطب بسط می‌دهد. زمین آخرین منزل این سفر کیهانی است که «صاد» آن را نمایندگی می‌کند و با اسم الممیت پروردگار در ارتباط است. اسرار «ص» به واسطه رؤیایی که یکی از شاگردان محیی‌الدین در مکه برای او دیده و او در کتاب فتوحات مکیه از آن سخن گفته، گشوده شده است. پیکره دایره‌وار «ص» اشاره نهفته‌ای به بازگشت، چرخه زندگی و حرکت دوّار کیهان دارد. از دریچه جهان‌بینی اکبریان، نگاه خداوند همیشه به زمین است و تمام عناصر عالم مادی در زمین جمع شده‌اند.

جستار پایانی بخش دوم کتاب با عنوان «فتح شهر بزرگ» به حرف واو اختصاص دارد. بر اساس روایت‌های صوفیانه، «و» قوی‌ترین حرف الفباست و در پیوندی آشکار و نهان با اولین حرف الفبا، یعنی الف، قرار دارد. «و» حکایت تلخ و شیرین قدم نهادن در مسیر وصل است و مقصود نهایی آن یگانگی با خالق است. واو ظرفیت تمام حروف را در رجم خود حمل می‌کند و تمام این ظرفیت‌ها را در مسیر خود به سوی مقصود نهایی ظاهر می‌کند و جامه تحقق می‌پوشاند. الف ابتدای دایره هستی و واو ختم آن است، جایی که محیط دایره کامل شده و انجام به آغاز میل می‌کند. خیمه‌گاه این اتصال قلب انسان کامل است که از هر ناخالصی پاکیزه شده و آینه بی‌خویشتن هستی است. در این معنا، از نظر ابن عربی، حرف واو دربرگیرنده تمام ساحت‌های گونه‌گون جهان آفرینش است: از عالم ماده و ترکیب تا جهان خیال و ارواح. تنها الف قائم از دایره این شمول خارج است. از نگاه محیی‌الدین انسان کامل (و) سایه خداوند در هر چیز است، غیر از خود آفریدگار. بر شدن از میم (انسان) به واو (انسان کامل) نیازمند مجاهده و پایداری است. از نظر شیخ اکبر یاوران اصلی در مسیر گشودن دروازه‌های این شهر عبارت‌های «شهادت» و «تکبیر» ند.

بعد از گذاری مختصر بر پیوستگی میان الف، لام، نون و واو، نویسنده کتاب را با تأکیدی در مؤخره به پایان می‌رساند: «این کتاب تلاشی است برای نگاهی عقلانی به اسرار حروف و کیهان در جهان‌بینی محیی‌الدین

ابن عربی، از این رو مباحث این کتاب تنها سایه‌هایی هستند زیر چتر سایه‌ای».

با نگاهی مختصر به باغ پرنقش‌ونگاری که ابن عربی از ۲۸ حرف الفبا در آموزه‌های خود برپا کرده‌است و با کنار هم گذاشتن مطالب او در نوشته‌های متعددی که به رشته تحریر درآورده، اولین و مهم‌ترین دریافت خواننده چندلایگی، تکرار شونددگی، و نگاه منشوری او به حروف است. به نظر می‌رسد این باغ نه تنها ده‌ها باب دارد که از هر کدام که وارد شوی منظر متفاوتی گشوده خواهد شد، بلکه هر باغ در دل خود باغک دیگری دارد که خود عالمی است نهفته در دل عالمی. در جهان‌بینی شیخ اکبر، هر یک از حروف الفبا در هر سلسله، ساحت و جلوه هستی بروزی یافته، عهده‌دار عملی شده، رنگی گرفته و ظرفیتی پذیرفته‌است. بنابراین حروف را می‌توان ماهیت‌هایی چندبعدی و چندجهانی انگاشت که روح هر کدام با پیوستگی ارگانیک با حروف دیگر معنا می‌یابد. خواندن کتاب اقلیم مکتوب خدا نوشته خانم راشیچ شمه‌ای از مناظر این باغ را به ما می‌نمایاند و علاقه‌مندان را برای غواصی عمیق‌تر در این اقیانوس شگفت‌انگیز آماده می‌کند. امیدوارم این کتاب به‌زودی به فارسی برگردان شود و مهم‌تر از آن، رابطه ابن عربی‌دوستان در سرتاسر جهان از هر زبان و با هر ملیتی با تولید و خواندن این آثار دوچندان شود.

منابع

- ابن عربی، ابو عبدالله محمد بن علی (۱۳۹۳). فتوحات مکیه. ترجمه محمد خواجه‌جوی. تهران: مولی.
- _____ (۱۳۸۵). فصوص الحکم. درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل: محمدعلی موحد و صمد موحد. تهران: کارنامه.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۵) ← ابن عربی، ۱۳۸۵ (دبیاچه).

Table of Contents

Editorial

In Thirty Years, I've Withstood Great Misery's Thrust/ To Save Persian literature, a Treasure Robust 5-6

Articles

Bāftāba/ Pāftāba/ Pāftāwa / Ali Ashraf SADEGHI 7-8

Shahname Studies Notes III / Abolfazl KHATIBI 9-15

A Relic of Imam Reza's Presence in the Great Mosque of Sāveh / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 16-18

Nukhbat al-Wuzarā Treatise, Penned by Naṣr Allāh-i Damāwandī / Ghasem GHARIB 19-26

A Few Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīkh-i Sīstān* II / HamidReza (Babak) SALMANI; Arash SERRI 27-29

Dumanīān/ Dūmanīān/ Dumanī/ Dūmanī / J. T. NAJAND (Soroush) 30-31

The *Dīvān* of Farrukhī-yi Sīstānī Copied by 'Ebrat-e Nā'īmī, Annotated by Malek al-Šo'arā Bahār / Mahmoud ALIPOUR 32-41

The Inscription of Shah 'Abbās II's Chihil Sutūn, Composed by Muḥammad Bayg-i Furṣat / Fatemeh BOUJAR 42-48

Editing of an Extant Qaṣīde by Šu'ūrī-yi Kāšānī in the Anthology of Ibn-i Khātūn / Ali KAMELI 49-52

On the Word *Rukhum* / Mohsen ZAKEROLHOSEYNI "Parand" 53-57

Did Nāṣir-i Khusraw write *Gušāyīš wa Rahāyīš* (Knowledge and Liberation)? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI 58-63

Reviews and Critiques

A Review of the Edition of *Badāye' al-Mulah* (Droll Novelties) / Milad BIGDELOU 64-78

A Review of the *Kullīyyāt-i* (collected works of) 'Ubayd-i Zākānī Edited by Mohammad Jafar Mahjoub / Mohsen SHARIFI SAHI 79-83

A Look at *The written world of God* / Reyhane BEHBOUDI 84-92

Essays on Research

A Proposal for Organizing Dissertations on Text Editing / Seyyed MohammadReza EBNORRASOUL 93-105

Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Works of Mustafa 'Āli Efendi / Nasrollah SALEHI 106-108

Introducing Codicologists and Textual Scholars (6-7)

Oleg Fedorovich Akimushkin / Majdoddin KEYVANI 109-113

A Shining Gem in This Earthly Sphere: In memory of J.T.P De Bruijn / AliAsghar SEYED-GOHRAB 114-123

On the Previous Articles

A Response to AliReza Hasheminejad's Review of the New Edition of *Širāf al-Khaṭf* (The Principle of Calligraphy) / Ali SAFARI AQ-QALEH 124-130